

امام حسین (علیه السلام)، پرورش یافته بیت نبوت و امامت



به گزارش [خبرگزاری تقریب](#)، ماموستا ملاقادر قادری، امام جمعه شهرستان پاوه در یادداشتی به واقعه عاشورا پرداخته است که در ادامه می خوانید:

ما و بزرگان ما از روز اول این حرکت را محکوم کرده ایم و الآن هم محکوم می کنیم چون معتقدیم روح پیامبر اسلام با این حادثه دچار ناراحتی شده است. یکی از زنان مدینه وقتی اسرا را به مدینه بردند چند بیت شعر سروده است که می گوید هنوز ۴۰ سال از رحلت پیامبر اسلام نگذشته است که شما این گونه روح این بزرگوار را آزرده خاطر کردید. چرا خون ۷۲ نفر از مخلصان دین را ریختید؟ چه جوابی در قیامت دارید؟

ماموستا مولوی کُرد از شاعران برجسته منطقه می فرماید: آگاه باش و قدر اهل بیت رسول را بدان، دشمنی با آن ها نشان ندهد و نفاق و دوستی با آن ها نشان ایمان است. ایمان بدون دوستی آل پیغمبر به دل هیچ کسی گذر نمی کند.

ما اهل سنت و جماعت برای خانواده پیامبر بزرگوار احترام قائلیم؛ اما در ایام عاشورا مانند اهل تشیع تعزیه و سینه زنی نداریم چه بسا از برادران اهل تشیع نسبت به اهل بیت محبت بیشتری داشته باشیم ولی در ابراز این محبت هر یک از ما نوعی عمل می‌کنیم، خداوند از همه ما قبول فرماید.

امام حسین(ع) فرزند امام علی(ع) و فاطمه زهرا(ع) است. در سال چهارم هجری متولد شده و پیامبر عزیز ما(ص) خود برایش مراسم هفته گرفته و ایشان را حسین نام نهاده و وی را نور چشم خود معرفی کرده و در نزد رسول الله(ص) صاحب احترام بوده است بطوریکه در حدیثی می‌فرمایند: «حُسَيْنٌ مِنْ مَنِّىْ وَ اَنَا مِنْ مَنْ اَللَّاهُ مِنْ اَحَبِّىْنَ اَحَبُّ لىَّ حُسَيْنٌ» حسین از من و من از حسینم. کسی که حسین را دوست دارد خداوند او را دوست می‌دارد.

امام حسین(ع) در بیت نبوت و خلافت و امامت بزرگ شد او یکی از اصحاب پرورش یافته دست رسول ا(ص) بود. یکی از علمای ما می‌فرماید: «كَانَ فاضِلاً دَيِّناً كَثِيراً الصَّلاةِ وَالصَّوْمِ وَ...»

پیامبر بزرگوار ما در مقدمه سال ۱۱ هجری از دنیا رفت. ابوبکر و عمر و عثمان و علی(رضی الله عنهم) نزدیک به ۴۰ سال بعد از پیامبر اسلام(ص) مملکت را اداره کردند و در حد توان مسیر پیامبر اسلام را ادامه دادند. بعد از شهادت امام علی(ع) قدرت به دست بنی‌امیه در شام افتاد.

در سال ۶۰ هجری کرسی خلافت به دست شخصی به نام یزید بن معاویه بن ابوسفیان افتاد. یزید حقیقتاً خوب نبود و دور و نزدیک می‌دانستند او فردی بدنام است ولی طوعاً و کرهاً و به زور جمعی با یزید بیعت کردند.

حسین بن علی(ع) و سه نفر از اصحاب پیامبر بزرگوار به نام‌های عبداً بن عمر، عبداً بن زبیر و عبدالرحمن بن ابوبکر که در مدرسه رسول ا(ص) درس خوانده بودند و نمی‌توانستند ناحق را قبول کنند در مقابل این انتخاب ایستادند و گفتند: یزید شایستگی این جایگاه را ندارد و دین اسلام را از بین می‌برد.

یزید نامه‌ای به ولید بن عتبه فرماندار مدینه فرستاد و گفت: باید این چهار نفر را شبانه دعوت نموده و از آنان بیعت بگیرد. ولید یک شب این چهار نفر را دعوت کرد و گفت: باید با یزید بیعت کنید ولی آنها حاضر به بیعت نشدند بعضی از آنها مثل امام حسین بن علی و عبداً بن زبیر تند برخورد کردند اما عبداً بن عمر و عبدالرحمن بن ابوبکر آرام برخورد کردند.

امام حسین(ع) زیر بار این بیعت نرفت و خطاب به فرماندار مدینه گفت: فردا جوابت را خواهم داد. فردای همان شب مدینه را ترک و به سمت مکه به راه افتاد و سپس کم کم خانواده و اهل بیتش از مدینه هجرت و به مکه رفتند. مدتی در مکه بودند اهل کوفه برای آن‌ها نامه نوشتند و گفتند: «یا ابن علی» ای فرزند امام علی (ع) کوفه محل زندگی پدر عزیزت بوده است. ما اهل کوفه از شما می‌خواهیم به کوفه بیایی.

امام حسین (ع) همراه جمعی که حدوداً ۷۰ تا ۸۰ نفر بودند از مکه به سوی عراق به راه افتادند. در مسیر دوستان زیادی را دید که او را از رفتن به کوفه بر حذر داشتند. بعضی می‌گفتند: مردم عراق دل‌هایشان با اهل بیت است اما شمشیرهایشان برای بنی‌امیه کار می‌کند. امام در جواب می‌فرمود: «هیهاتَ مِنْ ذَلِّهِ» من زیر بار ذلت نمی‌روم. دین جدم در خطر است و من برای نصرت دین جدم می‌روم و هر چه پیش بیاید، قبول می‌کنم.

سپاه یزید در دشت کربلا جلوی امام حسین (ع) و یارانش را گرفتند و از اهل بیت رسول ا (ص) و یاران نزدیک به اهل بیت آن حضرت، ۷۲ نفر و در رأس آن‌ها امام حسین (ع) را مظلومانه شهید کردند و سر امام حسین(ع) را از تن او جدا کردند و سر بریده‌اش را به شام نزد یزید بردند. من مطمئنم پیامبر بزرگوار با این حادثه عزادار شده است و ما هم تنها می‌توانیم بگوییم «فَاِزْنًا لِذَلَّتْ هِرَّةٌ وَاِزْنًا لِذَلَّتْ هِرَّةٌ»